



اعلامیه

بدنبال درگیریهای نابرابر و خونین اردیبهشت ماه و خرداد ماه ۱۳۵۵ نه بین سازمان جریکهای فدائی خلق و نیروهای دشمن صورت گرفت ، ارتباط ما با یکی از اعضاء گروه ، رفیق منوچهر حامدی ، که در رابطه انقلابی گروه ما و این سازمان بایران رفته بود قطع گردید . کوششهای پیگیر ما از آنزمان تا کنون ما را به این نتیجه رسانده است که این رفیق مبارز به جنگ نیروهای دشمن افتاده است . رفیق مبارز منوچهر حامدی چهره آشنا و برجسته در عرصه مبارزات سیاسی مردم ماست . فعالیت و پیگیری رفیق حامدی در مبارزه طیف رژیم فاشیستی شاه و امپریالیسم حساسیت شدید دشمن را برانگیخته و او را در معرض توطئهها و فشار های ارتجاع قرار داده بود .

رفیق منوچهر حامدی در سال ۱۳۱۴ دیده به جهان گشود . در دوران دبیرستان به مسائل سیاسی آشنا شد . کودتای امپریالیستی مرداد ۳۲ اثر عمیقی بر او گذاشت بطوریکه به نهضت مقاومت ملی پیوست و در دوران دیکتاتوری سیاه فرمانداری نظامی ، فعالیت های خود را تشدید کرد . او در سال ۱۳۳۸ برای ادامه تحصیل به خارج سفر کرد ولی شدت فعالیت های سیاسی او موجب شد که تحصیل را رها کرده و بطور حرفه ای به سازماندهی و گسترش مبارزه دست زند . او در این دوران به کمک رفقای دیگر برای ادامه فعالیت سیاسی ، جبهه ملی در اروپا را بنیان نهاد و طی سالهای متعددی از اعضاء برجسته رهبری جبهه ملی بود . پابهای این فعالیت ، وی به فعالیت دموکراتیک پرداخت و از پایه گذاران کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی بود . فعالیت رفیق در گسترش کار کنفدراسیون و جهانی شدن این سازمان تاثیر بسزائی داشت . وی چندین بار به سمت دبیری کنفدراسیون انتخاب شد . در اثر همین فعالیت ها او چندین بار مورد تعقیب پلیس آلمان و در معرض اخراج قرار گرفت .

مجموعه این فعالیت ها ، همراه با آموختن از تجارب انقلابیهای جهان و مطالعه متون مارکسیستی ، رفیق حامدی را از حد یک مبارز ضد استعمار و استبداد به پذیرش ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بمثابة تنها راه رهایی بشریت

ارتقاء داد. در همین روند او به همراه عده‌ای دیگر از فعالین سازمانهای جبهه ملی خارج از کشور که سیر تکاملی مشابهی را طی کرده بودند باین اعتقاد رسید که در شرایط جامعه ایران مبارزه سیاسی بدون عامل قهر قادر نیست پاسخگوی نیازهای مرحله‌ای و استراتژیک انقلاب باشد و بر مبنای این ارزیابی باید در ایران بمبارزه مسلحانه اقدام کرد. بدنبال این اعتقاد، او از جمله رفقای بود که در سال ۱۳۴۷ برای فراگرفتن تعلیمات نظامی به جنبش انقلابی فلسطین پیوست و با نام مستعار ابو جعفر تحت فرماندهی ابو علی ایاد رهبر انقلابی — بزرگ فلسطینی تعلیم یافت.

بر مبنای این اعتقاد، رفیق حامدی و رفقای دیگر که به ضرورت داشتن تشکل برای به تحقق در آوردن خواسته‌های انقلابی معتقد بودند در سال ۱۳۴۹ گروه ما را که بعداً بنام گروه اتحاد کمونیستی اعلام موجودیت کرد، بنیان نهادند و اولین حرکت مشخص خود را برای زمینه سازی انتقال مبارزه به ایران با فعالیت در خاور میانه آغاز نمودند.

هنگامی که تماس رسمی گروه با سازمان جریکهای فدائی خلق در پائیز ۵۲ آغاز گشت، او نیز در این ارزیابی همه ماسهیم بود که این تماس آغازی برای درگیری مستقیم و بلاواسطه در انقلاب ایران است. بدنبال این تماس، گروه ما و سازمان جریکهای فدائی خلق در پروسه تجانس قرار گرفتند. در آبان ۵۳ رفیق حامدی برای تسریع و تسهیل پروسه تجانس، نمایندگی گروه بایران رفت و بمشابه یک کمونیست فدائی در زندگی و فعالیت سازمان شرکت کرد و باینیذینی خاص خود ملاحظات و مشاهدات خود از سازمان جریکهای فدائی خلق را در اختیار این سازمان قرار داد.

زندگی و تداوم مبارزه رفیق منوچهر حامدی نمونه‌ای ارزنده از زندگی یک انقلابی کمونیست است. پیگیری این رفیق و دیگر انقلابیون کمونیست ایران در مبارزه علیه تسلط سرمایه، یاری رساندن بمبارزه زحمتکشان علیه امپریالیسم — رژیم دست نشانده و پایان استثمار در ایران و تضعیف تسلط سرمایه جهانی است. وظیفه همه نیروهای مبارز و انسانهای آگاه است که برای پشتیبانی و دفاع همه جانبه از مبارزات این رفیق و دیگر انقلابیون و افشاء رژیم شکست خورده منشاهی بپا خیزند و کوشش‌های خود را متحد و متفق کنند.

گروه اتحاد کمونیستی

آذرماه ۱۳۵۶

